

پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به

مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی

(مطالعه موردی روستاهای زرین‌دشت)

منصور وثوقی، افراسیاب فرجی

پژوهش حاضر در دهستان «زرین‌دشت» از توابع شهرستان دره‌شهر در بهار ۱۳۸۳ به صورت پیمایشی انجام گرفته است. هدف این پژوهش بررسی میزان تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی و شناسایی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر تمایل کشاورزان صاحب زمین به مشارکت می‌باشد. پس از آزمون فرضیات تحقیق مشخص گردید که متغیرهای سواد، فراهم بودن فرصت‌های شغلی، میزان مالکیت زمین، عضویت در گروه، اطلاعات، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به دولت و عوامل انگیزشی دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته، یعنی میزان تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی، می‌باشند.

مفاهیم کلیدی: یکپارچگی اراضی، مشارکت، پراکندگی اراضی، مالکیت، سرمایه اجتماعی.

طرح مسئله

چند قطعه بودن و پراکنش زمینه‌ای زراعی از علل مهم پایین بودن تولیدات کشاورزی در ایران است. اهمیت یکپارچگی اراضی از آغاز برنامه اصلاحات اراضی در ایران مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی قرار گرفت و به همین دلیل بلافاصله پس از اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی که خرد شدن هرچه بیشتر اراضی را موجب گردید، الگوهای

جدیدی از کشت و کار یکپارچه چه به منظور مقابله با پراکندگی و چند قطعگی اراضی از جانب دولت مطرح و به مرحله اجرا گذاشته شد. این الگوها (از جمله شرکت‌های سهامی زراعی و واحدهای تعاونی تولید) گرچه در نهایت به دلیل مشکلات عمدتاً اجتماعی نتوانستند به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابند، ولی ایده یکپارچگی اراضی فراموش نشد و کماکان بعد از انقلاب نیز ادامه یافت، به طوری که با تصویب لایحه واگذاری اراضی مصوب شورای انقلاب به وسیله هیئت هفت نفره این تفکر دوباره به صورت جدی دنبال شد و امروزه نیز کوشش سیاست‌گذاران بخش کشاورزی در راستای تشویق کشاورزان به تشکیل تعاونی‌های بزرگ تولید ادامه دارد. در واقع، آگاهی از معایب قطعه قطعه بودن اراضی کشاورزی در مقابل مزایای کشت یکپارچه، اهمیت و ضرورت اجرای طرح‌های یکپارچگی اراضی را روشن تر خواهد ساخت:

عدم امکان بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و ماشین‌آلات کشاورزی، هدر رفتن آب کشاورزی، اتلاف نیروی کار کشاورزان، غیراقتصادی بودن قطعات کوچک، عدم استفاده از بخش‌هایی از زمین زراعی به منظور احداث راه‌های بین مزارع، افزایش مشاجرات و دعواهای درون‌گروهي، انجام ندادن هرگونه عملیات زیربنایی از قبیل تسطیح اراضی و احداث شبکه‌های آبیاری را می‌توان از معایب قطعه‌قطعه بودن و پراکنش اراضی محسوب نمود و در مقابل افزایش کیفیت محصول، کاهش هزینه‌های تولید، صرفه‌جویی در مصرف آب، استفاده بهینه از خاک و افزایش سطح مرغوب خاک، تسهیل در انجام دادن عملیات زیربنایی، امکان استفاده عقلانی از وسایل و ابزار جدید، امکان تبدیل دامداری سنتی به واحدهای دامداری صنعتی یا نیمه‌صنعتی و بهداشتی، امکان تبدیل مزارع باز به مزارع بسته دارای حدومرز مشخص، ایجاد تغییرات کالبدی در مورفولوژی روستاها و بالأخره امکان تبدیل سکونت‌گاه‌های چسبیده به هم غیر بهداشتی توده‌وار به مسکن پراکنده‌ای که بتوانند از امکانات بهداشتی و رفاهی مناسبی برخوردار باشند نیز از جمله محاسن یکپارچه‌سازی اراضی هستند.

پژوهش حاضر حول محور همین مسائل و در این راستا صورت گرفته است و هدف آن دست‌یابی به علل و عواملی است که بر تمایل کشاورزان روستاهای دهستان «زرین‌دشت» از توابع شهرستان دره‌شهر به یکپارچگی اراضی تأثیر گذارند. باشد که نتایج حاصل از این پژوهش بتواند به‌نوبه خود در ارائه راهکارهای سودمندی در جهت گسترش طرح‌های یکپارچگی اراضی دهقانان خرده‌پا مورد استفاده قرار گیرد.

تعاریف و مفاهیم

الف. مفاهیم و اصطلاحات عمده مربوط به یکپارچه‌سازی اراضی^۱

۱. یکپارچه‌سازی

از یکپارچه‌سازی اراضی تعابیر مختلفی ارائه شده است که اهم آن‌ها را در زیر مورد اشاره قرار می‌دهیم:

— در فرهنگ اصطلاحات علمی و فنی به‌عنوان «اصلاح خاک و اصلاح شبکه آبیاری و اراضی به‌هم پیوسته» یاد شده است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۴: ۲۷).

— در فرهنگ کشاورزی ایران یکپارچه‌سازی به معنای «حفاظت» و در فرهنگ جغرافیای انسانی این واژه در مقابل اصطلاح پراکنش (تقطیع) به‌کار رفته است (گونیلی، ۱۳۶۵: ۱۵۵).

— فولادی به نقل از کتاب یکپارچه‌سازی اراضی از انتشارات وزارت کشاورزی ژاپن، یکپارچه‌سازی را به معنای مجموعه‌ای از عملیات می‌داند که کلیه کارهای ضروری جهت نظم دادن به اراضی زراعی و بهبود کیفیت خاک، جابه‌جایی اراضی، از بین بردن کانال‌ها و جاده‌های قدیمی و یا احداث کانال‌ها و جاده‌های جدید، زهکشی و تقریباً تمام عملیات ساختمانی را شامل می‌گردد (فولادی، ۱۳۷۱: ۲ و ۱).

— سینگ و دیلون یکپارچه‌سازی اراضی را عبارت از تلفیق و توزیع مجدد زمین به گونه‌ای می‌دانند که تعداد قطعات در آن کاهش یابد (سینگ و دیلون: ۲۳۶).

بسیاری از صاحب‌نظران دیگر نیز یکپارچگی را ادغام و توزیع مجدد زمین در یک منطقه به منظور کاهش تعداد قطعات زمینه‌ای زیرکشت و آمایش مجدد اراضی تعریف کرده‌اند. در پژوهش حاضر تعریف اخیر مورد تأکید بوده است.

۲. مشارکت و انواع آن

تعاریف متعددی از مشارکت توسط نویسندگان و پژوهش‌گران ارائه شده است:

آلن بیرو^۲ مشارکت را به معنای سهمی در چیزی داشتن، از آن سود بردن، در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف نموده است. وی بین امر شرکت کردن فرد و عمل مشارکت به‌عنوان تعهد فرد تمایز قائل شده است. در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم منظور داشتن شرکتی فعالانه در گروه است (آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

1. Landconsolidation

2. Alain Birou

محسنی تبریزی مشارکت را فرایندی توصیف نموده است که توسط آن مردم می‌توانند خود را سازمان دهند و از طریق آن در فعالیتهای توسعه محلی توان اظهار نظر یابند و نیز مشارکت عبارت است از فعالیت اداری و داوطلبانه که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).

شاتزو^۱ مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک‌سری مکانیزم رسمی یا غیررسمی می‌داند (شاتزو، ۱۹۷۷: ۱۴۱).

اصطلاح مشارکت^۲ در دهه ۱۹۶۰ به دنبال مطرح شدن مقوله توسعه^۳ مفهوم کاربردی و وسیعی به خود گرفت، به نحوی که در توسعه پایدار مشارکت را هدف و وسیله توسعه محسوب می‌کنند. بی‌تردید مشارکت شرط اصلی و عملی بخشی از جنبه عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد و نظریه توسعه با توجه به هدف و محتوا اهمیت مشارکت را در همه سطوح از مرحله تعیین‌کنندگی نیازها تا مرحله نهایی ارزیابی و اجرای برنامه و همچنین مبانی تصمیم‌گیری‌ها در خصوص تعیین هدف‌ها، کاربرد منابع و مدیریت عملیات نشان می‌دهد. مشارکت واقعی مردم در امر توسعه، به ویژه توسعه روستایی، مستلزم ایجاد پیش‌شرط‌هایی است که بتوان بر مشکلات و ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی فائق آمد. برخی از این پیش‌شرط‌ها عبارتند از:

- تغییر ساختار نابرابر اجتماعی و از بین بردن فاصله اجتماعی فقیر و غنی؛
- تغییر ساختار سیاسی و اداری در جهت دخالت بیشتر مردم در جریان توسعه.

۳. پراکندگی اراضی^۴

عبارت است از وضعیتی که در آن اراضی متعلق به هر زارع در محدوده یک مزرعه در نقاط مختلفی پراکنده بوده، به طوری که فاصله قطعات از همدیگر دور باشند. برای نشان دادن پدیده پراکندگی از سه معیار استفاده می‌شود:

۱. متداول‌ترین معیار تعداد قطعات زمین تحت بهره‌برداری هر کشاورز است. این شاخص صرفاً تعداد قطعات را بدون ارتباط با مساحت زمین نشان می‌دهد.
۲. معیار دوم تعداد قطعات و مساحت آن‌ها را در ارتباط با هم نشان می‌دهد (به صورت میانگین).

1. Schatzow
3. Development

2. participation
4. Parcellement

۳. معیار سوم بیانگر ارتباط تعداد قطعات و فواصل آنها می‌باشد (حیدری، ۱۳۷۵: ۱۵۳). اساساً می‌توان پراکندگی اراضی را به دو صورت نشان داد:
- پراکندگی اراضی بین افراد و بهره‌برداران مختلف که با مرزهای مصنوعی یا طبیعی مانع از استفاده عقلانی و بهینه از زمین می‌شود و مشکلات فراوانی را در مالکیت‌های کوچک موجب می‌گردد.
- پراکندگی اراضی در یک بهره‌برداری خاص بدین صورت که کل زمین زراعی هر خانوار به قطعات کوچکی تقسیم می‌شود و اغلب این قطعات در فواصل دور از هم قرار می‌گیرند. این شکل از پراکندگی تشدیدکننده شکل اول است (افتخاری، ۱۳۷۴: ۲۶).
- درواقع، قطعه‌بندی زیاد اراضی یک بهره‌بردار کشاورزی دارای معایبی است که اهم آنها را می‌توان به قرار زیر ذکر نمود:
۱. عدم کارایی تراکتور و سایر ماشین‌آلات کشاورزی در اراضی قطعه‌قطعه و پراکنده. زیرا حرکت تراکتور در قطعات پراکنده به دلیل نبود راه مشکلاتی را به شرح زیر به وجود می‌آورد:
 - ۱-۱. تخریب مرزهای بین قطعات،
 - ۲-۱. سخت شدن بخش‌هایی از زمین که تراکتور از روی آنها عبور می‌نماید،
 - ۳-۱. نبود فضای لازم برای مانور تراکتور و سایر ماشین‌آلات،
 - ۴-۱. شخم نخوردن بخش‌هایی از زمین کشاورزی (وثوقی و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۷۷-۱۸۲)،
 - ۵-۱. مشکل استفاده از وسایل نقلیه در قطعات پراکنده و کوچک،
 - ۶-۱. اتلاف آب کشاورزی به دلیل طی مسافت طولانی در جوی‌های اصلی و فرعی روستا،
 - ۷-۱. اتلاف نیروی کار کشاورزی،
 - ۸-۱. افزایش استهلاک ماشین‌آلات،
 - ۹-۱. عدم امکان اجرای طرح‌های عمرانی،
 - ۱۰-۱. اقتصادی نبودن کشاورزی در قطعات کوچک پراکنده،
 - ۱۱-۱. عدم امکان مبارزه اصولی با آفات و امراض گیاهی،
 - ۱۲-۱. آثار نامساعد پراکندگی بر روابط اجتماعی روستاییان که غالباً موجب نزاع بین صاحبان اراضی کوچک می‌گردد (همان منبع: ۱۸۸-۱۹۲)،
- در مقابل معایب پراکندگی زمین، فوائد یکپارچه‌سازی اراضی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:
۱. افزایش محصولات کشاورزی به علت افزایش نسبی عوامل کشاورزی (افزایش سطح زیر کشت، افزایش آب)،
 ۲. کاهش هزینه‌های تولید (صرفه‌جویی در نیروی کار با کاهش ساعات کار و کاهش فاصله

زمین‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌های به‌کارگیری ماشین‌آلات کشاورزی، کاهش هزینه‌های استهلاک ماشین‌آلات کشاورزی)،
۳. ایجاد همکاری و افزایش مشارکت مردم در امر لایروبی جوی‌ها و دفع موانع زراعی
(همان منبع، صص ۱۹۴-۲۴۵) و نیز (وثوقی، ۲۰۰۴: ۴۳).

ب. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل

در این پژوهش متغیرهای زیر با شاخص‌ها و گویه‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفته‌اند که تعاریف مفهومی و عملیاتی آن‌ها به شرح زیر است:

۱. مالکیت زمین

— **تعریف مفهومی:** عبارت است از تعداد قطعات زمینی که به صورت رسم یا عرفی تحت تصرف کشاورز است و کشاورز حق استفاده از آن را به صورت قانونی داراست.
— **تعریف عملیاتی:** برای اندازه‌گیری این متغیر تعداد قطعات و اندازه‌های زمینی آبی و دائمی کشاورز است و کشاورز حق استفاده از آن را به صورت قانونی داراست.

۲. عضویت در گروه

— **تعریف مفهومی:** عبارت است از میزان عضویت کشاورز صاحب زمینی در گروه‌های ثانوی که به صورت ارادی و اختیاری به عضویت آن‌ها در تعاونی‌ها، شورای اسلامی، پایگاه بسیج و...
— **تعریف عملیاتی:** برای قابل سنجش نمودن عضویت در گروه ابتدا از طریق پرسش‌های ثانوی مشخص گردید و سپس این گروه‌ها براساس میزان سنخیت آن‌ها با مسائل کشاورزی رده‌بندی گردیده و امتیازبندی شدند (رده اول شامل تعاونی روستایی گروه‌های هم آب، خانه کشاورز. رده دوم شامل شورای اسلامی، پایگاه بسیج، هیئت امنای مسجد، انجمن اولیا و مربیان و تعاونی فرش) و در نهایت از طریق مقیاس فاصله‌ای جمع امتیاز هر کشاورز به نمرات نرمال تبدیل گردید و رابطه آن با تمایل به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی سنجیده شد.

۳. اطلاعات

— **تعریف مفهومی:** عبارت است از میزان آگاهی کشاورزان از فواید یکپارچه‌سازی و معایب پراکندگی اراضی.
— **تعریف عملیاتی:** اندازه‌گیری این متغیر از طریق شش گویه مثبت و منفی پنج‌گزینه‌ای و با مقیاس مرتبه‌ای انجام گردیده است.

۴. اعتماد مردم به یکدیگر

تعریف مفهومی: عبارت است از اعتماد مالکان به یکدیگر در عرصه روابط مختلف اجتماعی و اقتصادی است.

تعریف عملیاتی: این متغیر از طریق ۹ گویه (مثبت و منفی) پنج گزینه‌ای و با مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌هایی از قبیل: «مردم نسبت به یکدیگر اعتماد دارند»، «مردم روی قول و قرارشان نیستند»، «مردم به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند»، «ظاهر و باطنشان یکی نیست» و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۵. اعتماد مردم به دولت

تعریف مفهومی: عبارت است از میزان مقبولیت و کاردانی دولت در نزد کشاورزان و اعتمادی که کشاورزان به دولت دارند.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش این متغیر با کمک ۷ گویه (مثبت و منفی) پنج گزینه‌ای و از طریق مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

۶. انگیزه

تعریف مفهومی: انگیزه عبارت است از فرایندهایی که در برانگیختن، جهت دادن و پایایی رفتار نقش‌آفرین هستند (پارسا، ۱۳۷۶: ۱۷). در این پژوهش عامل انگیزش به‌عنوان عاملی در نظر گرفته می‌شود که باعث علاقه‌مندی و تمایل مالکان به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی اراضی گردد.

تعریف عملیاتی: برای عملیاتی نمودن عوامل انگیزش از ۱۰ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده نموده‌ایم که از طریق مقیاس رتبه‌ای قابل اندازه‌گیری می‌باشند. (احساس تضمین مالکیت، انجام دادن عملیات زیربنایی مثل تسطیح اراضی، احداث جاده و تأسیسات، تأمین آب، احداث کانال‌های آبیاری توسط دولت، تضمین خرید محصولات کشت شده توسط دولت و...) از جمله این گویه‌ها می‌باشند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب تئوریک این پژوهش مبتنی بر تلفیقی از آرای چهار نفر از صاحب‌نظران معاصر به نام‌های جرج هومنز، جیمز کلمن، پیر بوردیو و روبرت پاتنام است. هومنز بر «انگیزه» به‌عنوان عامل مؤثر بر مشارکت تأکید دارد و دیگران (کلمن،

بورديو، پاتنام) بر عامل اجتماعى.

هومنز با تأكيد بر قضايای بنيادی سعی داشت تا رفتارهای اجتماعى انسان‌ها را در چارچوب مبادله و برحسب پاداش‌ها و هزینه‌ها تبیین نماید. هومنز در مطالعاتش به این نتیجه رسید که انگیزه‌ها محرک‌هایی هستند که افراد را به سوى انجام دادن عمل یا اعمالی رهنمون می‌کنند. به‌همین دلیل معتقد است که اگر در گذشته وقوع وضعیتی مشخص سبب شده باشد که فعالیت فرد به پاداش منتهی شود، هرچه وضعیت کنونی شبیه به گذشته باشد، احتمال این‌که فرد به همان فعالیت یا فعالیتی مشابه آن دست بزند زیادتر است. و در ارتباط با قضیه دیگری که آن را تحت عنوان «موفقیت» می‌نامد، بر این نکته تأكيد دارد که هرچه فعالیت یک فرد در زمان معینی پاداش بیشتری به شخص برساند، به همان نسبت فرد آن فعالیت را تکرار خواهد کرد و در قضیه دیگری تحت عنوان «ارزش» هرچه نتایج عمل فرد با ارزش‌تر باشد، احتمال تکرار آن زیادتر است (ادیبی، ۱۳۵۸: ۲۴۷-۲۴۹).

بورديو اعتقاد دارد مهم‌ترین عامل موجد و اثربخشی سرمایه اجتماعى بستگی به عضویت فرد در گروه‌های اجتماعى دارد. فرد با عضویت در گروه‌های اجتماعى شبکه‌ بادوامی از روابط نهادى شده بین افراد - که در خود منابع بالقوه و بالفعلی (سرمایه اجتماعى) برای او دارد - شریک می‌شود.

کلمن اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعى کنش‌های معین افراد را در درون ساختارها تسهیل می‌کند و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست نیافتنی است امکان‌پذیر می‌سازد. وی عوامل مؤثر بر تشکیل و تداوم سرمایه اجتماعى را عبارت از: هنجارها، ایدئولوژی، ثبات ساختار اجتماعى و اطلاعات می‌داند. اطلاعات عنصر مهم سرمایه اجتماعى محسوب می‌شود و جزو ذاتی و جدایی‌ناپذیر روابط اجتماعى است، و ثبات ساختار اجتماعى نقش مهمی در ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعى دارد.

پاتنام اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعى آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعى است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعى عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده بهتر صورت می‌گیرد. به‌نظر وی، منابع تولید سرمایه اجتماعى عبارتند از: شبکه‌ها و هنجارها؛ و این منابع کالاهای عمومي هستند که به هیچ فردی یا افراد خاصی تعلق ندارند و در مالکیت خصوصى هیچ‌یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند نیست. اعتماد و همکاری به اطلاعات موثق در مورد رفتار گذشته و منافع حال شرکای بالقوه بستگی دارد. در حالی‌که ابهام و عدم اعتماد باعث تشدید مشکلات رفتارها و عمل جمعی می‌شود، بالا رفتن

میزان اعتماد، روند فائق آمدن بر مشکلات و همکاری جمعی را تسهیل می‌کند.

چارچوب مفهومی پژوهش

با استفاده از تلفیق آرای چهار نفر از متفکران نامبرده چارچوب مفهومی زیر تنظیم گردیده است:

جدول شماره ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم	نظریه	نظریه پرداز	متغیر منبع از تئوری	شاخص یا شاخص‌ها
انگیزه	مبادله	هومنز	انگیزه (عوامل انگیزشی)	تضمین مالکیت، انجام دادن عملیات زیربنایی توسط دولت، تأمین آب و احداث کانال‌های آبیاری، صدور پروانه بهره‌برداری از آب، تضمین خرید محصولات کشت شده، مساحی و مترآژ دقیق قطعات پراکنده، تعیین سهم مالک در قطعات جمع شده، امیدواری به افزایش میزان تولید، اعطای تسهیلات اعتباری از طرف دولت، امیدواری به استفاده از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی مکانیزه انگیزه
اطلاعات	سرمایه اجتماعی	کلمن	اطلاعات مالکان از موضوع یکپارچه - سازی اراضی	میزان آگاهی از مفهوم یکپارچگی اراضی میزان آگاهی از فوائد یکپارچگی اراضی میزان آگاهی از معایب یکپارچگی اراضی اطلاعات
عضویت در گروه‌های اجتماعی	سرمایه اجتماعی	بورديو	عضویت در گروه‌های اجتماعی (گروه‌های ثانوی)	عضویت در گروه تعداد شرکت در جلسات نوع عضویت (عادی، فعال، دارای مسئولیت)
اعتماد عمومی	سرمایه اجتماعی	پاتنام	اعتماد مردم به همدیگر و به دولت	اعتماد داشتن مردم به یکدیگر اهمیت دادن، به نظر و آرای یکدیگر، به فکر دیگران بودن، روراست بودن به هم (یکی بودن ظاهر و باطن)، بی‌پرده صحبت کردن، امانت دادن وسایل به یکدیگر، قرض دادن پول به یکدیگر، عدم ایجاد مشکل برای دیگران، پایبندی به قول و قرار، توجه به حرف مردم روستا، خبره بودن و وارد بودن به کار، برخورد با دیگران با خوشرویی اعتماد عمومی

روش تحقیق و جامعه آماری

در این پژوهش با توجه به اهداف آن از روش پیمایش استفاده گردیده و جمع‌آوری اطلاعات با کمک پرسشنامه و مصاحبه حضوری انجام گردیده است. سنجش متغیرها نیز از طریق گویه‌های استاندارد شده مورد استفاده محققان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی صورت گرفته است.

جامعه مورد مطالعه ۲۴ روستای حوزه دهستان زرین‌دشت از توابع شهرستان دره‌شهر است. واحد اصلی تحقیق کشاورز صاحب زمین و جامعه آماری مورد مطالعه کلیه کشاورزان اراضی دهستان زرین‌دشت هستند که تعداد آنها به ۸۳۵ نفر بالغ می‌گردد. به دلیل وسیع بودن دهستان مورد مطالعه، ابتدا سه روستا در سه منطقه دهستان مذکور از طریق نمونه‌گیری انتخاب گردید. با توجه به تعداد کل کشاورزان صاحب زمین این دهستان که براساس مدیریت جهاد کشاورزی دره‌شهر به ۸۳۵ نفر بالغ می‌شود، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای با احتمال خطای نمونه‌گیری در سطح ۰/۱، معادل ۸۴ نفر محاسبه گردید که به منظور افزایش سطح پایایی و روایی نمونه‌گیری در مجموع ۹۰ نمونه از سه روستای عباس‌آباد، دشت‌آباد، و جعفرآباد انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند.

فرضیات تحقیق

فرضیات این مطالعه با توجه به مبانی نظری و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف درباره موضوع مشارکت طرح و تنظیم گردیده است که عبارتند از:

۱. به نظر می‌رسد بین تحصیلات (میزان سواد) مالکان و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین میزان مالکیت زمین و تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین میزان عضویت مالکان در گروه‌های ثانوی و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین میزان اطلاعات مالکان از موضوع یکپارچه‌سازی اراضی و تمایل آنان به مشارکت در این طرح رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد مالکان به یکدیگر و تمایل آنان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین عوامل انگیزشی و تمایل مالکان به مشارکت در اجرای یکپارچه‌سازی

اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد مالکان به دولت و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل یافته‌ها و داده‌ها

الف: نتایج توصیفی داده‌ها نشان داد که:

۱. میانگین سن جمعیت نمونه ۵۷ سال است و حدود ۶۰ درصد پاسخگویان بالای ۴۵ سال سن دارند.
۲. میانگین تمایل به مشارکت در گروه‌های سنی حاکی از آن است که بیشترین میزان مشارکت در گروه‌های سنی ۲۵-۳۵ وجود دارد.
۳. میانگین افراد تحت تکفل برای هر مالک ۵/۵ نفر است.
۴. بیش از ۸۰ درصد جامعه مورد بررسی باسواد و حدود ۲۰ درصد آن‌ها بی‌سواد هستند.
۵. تعداد قطعات آبی زراعی از ۱ تا ۱۰ قطعه است. ۶۷/۸ درصد مالکین دارای بیش از ۵ قطعه زمین آبی، میانگین تعداد قطعات آبی ۵/۵۲ قطعه و میانگین مساحت آن‌ها ۱/۶۸ هکتار است.
۶. تعداد قطعات دیم زراعی از ۱ تا ۱۲ قطعه می‌باشد. بیشترین فراوانی مربوط به ۵-۶ قطعه با ۴۵/۶ درصد و میانگین تعداد این قطعات برای هر مالک ۶/۱ قطعه و میانگین مساحت آن‌ها ۱/۵۸ هکتار است.
۷. وضعیت مالکیت در جامعه مورد بررسی حاکی از آن است که مالکیت ناشی از نسق واگذاری شده پس از اصلاحات ارضی دارای بیشترین فراوانی (۴۲/۲ درصد) می‌باشد. مالکینی که قبل از اصلاحات ارضی مالک شناخته شده‌اند دارای بیشترین میانگین میزان تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی می‌باشند. علت موضوع را می‌توان چنین بیان نمود که، مالکینی که قبل از اصلاحات ارضی مالک شناخته شده‌اند مالکیت خود را تضمین شده می‌دانند و هرگونه نوآوری و اجرای طرح‌ها را نفی‌کننده مالکیت (سلب مالکیت) تلقی نمی‌کنند.
۸. ۳/۸ درصد قطعات دیم به صورت آیش یکساله بدون کشت باقی می‌ماند و تمام قطعات آبی همه ساله زیر کشت محصولات قرار می‌گیرند.
۹. از نظر منبع تأمین آب زمین‌های زراعی، رودخانه با ۹۱/۱ درصد بیشترین نقش را در آبیاری زمین‌های زراعی به عهده دارد.
۱۰. اطلاعات و دانش کسب شده توسط مردم از موضوع یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی

مربوط به تجربه قبل از اصلاحات ارضی با ۳۴/۴ درصد دارای بیشترین فراوانی و کمترین درصد فراوانی اخذ اطلاعات از کتب مربوط به مسائل کشاورزی ۱/۱ درصد است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سازمان‌های دولتی (ادارات متصدی امور کشاورزی در منطقه) و وسایل ارتباط جمعی کمترین نقش را در اطلاع‌رسانی و کسب آگاهی مردم از فواید یکپارچه‌سازی و معایب پراکندگی اراضی داشته‌اند (سازمان‌های دولتی ۴/۴ درصد و تلویزیون ۲/۲ درصد).

ب: آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۲. رابطه بین متغیر مستقل و تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطوح معنی‌داری
تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی	تحصیلات	۰/۲۳۴	۰/۰۵۰
	میزان مالکیت اراضی	۰/۲۳۸	۰/۰۴۷
	عضویت در گروه	۰/۲۴۷	۰/۰۲۲
	اطلاعات و آگاهی از موضوع	۰/۳۹۲	۰/۰۰۱
	اعتماد مردم به یکدیگر	۰/۲۹۶	۰/۰۱۳
	عوامل انگیزشی	۰/۴۲۳	۰/۰۰۰
	اعتماد کشاورزان به دولت	۰/۳۶۲	۰/۰۰۲

فرضیه (۱) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین میزان سواد مالکان و تمایل به مشارکت آن‌ها در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی فوق نشان‌دهنده آن است که سواد میزان آگاهی مالکان زمین را از نتایج یکپارچه‌سازی افزایش داده و میل به مشارکت را در میان آنان بالا برده است.

فرضیه (۲) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان‌دهنده این واقعیت است که بین میزان مالکیت اراضی و تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی فوق نشان‌دهنده این واقعیت است که مالکینی که اراضی بیشتری تحت تصرف خود دارند، تمایل بیشتری نسبت به یکپارچه نمودن اراضی خود دارند و دلایل این تمایل را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

۱. یکپارچه‌سازی اراضی باعث بالا رفتن ارزش زمین‌های آن‌ها می‌شود.

۲. امکان استفاده بهینه از منابع تولید و افزایش بازدهی تولید بیشتر می‌شود.

۳. امکان استفاده از وسایل و ادوات مکانیزه را برای مالک فراهم می‌آورد.

فرضیه (۳) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان‌دهنده این واقعیت است که هرچه میزان عضویت در گروه، تعداد دفعات شرکت در جلسات و موقعیت فرد در گروه افزایش یابد، به همان اندازه میزان تمایل به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی افزایش می‌یابد. دلیل این افزایش تمایل را می‌توان این چنین توجیه نمود که چون با عضویت در گروه‌های ثانوی تصمیم‌گیری جمعی افراد افزایش یافته و مالکان پراکندگی زمین‌ها را یک مشکل تلقی نموده و راه‌حل آن را مشارکت در یکپارچه‌سازی می‌یابند، به همین دلیل عضویت مالکان در گروه‌های ثانوی موجبات افزایش تمایل آنان به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی می‌گردد.

فرضیه (۴) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان داد که هرچه میزان اطلاعات و دانش فرد از موضوع مورد مشارکت (یکپارچگی اراضی مزروعی) افزایش یابد، میزان تمایل به مشارکت هم فزونی می‌یابد. علت این رابطه را می‌توان این چنین تبیین نمود که اولاً، فرد با داشتن اطلاعات و آگاهی از موضوع آن را مورد بررسی قرار داده و به فوائد، مزایا و معایب آن توجه می‌نماید. ثانیاً، آگاهی و دانش فرد در خصوص موضوع موجب بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل مسائل و انتخاب راه‌حل‌های مناسب برای رفع مشکل می‌گردد.

فرضیه (۵) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین میزان اعتماد مالکان به یکدیگر و تمایل آن‌ها به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی همبستگی وجود دارد. بدین معنی که هرچه میزان اعتماد مالکان به یکدیگر افزایش یابد، تمایل آنان به مشارکت فزونی خواهد یافت. دلیل این همبستگی را این چنین می‌توان توصیف نمود که با جلب اعتماد به همدیگر، روحیه تعاون و همکاری در جهت رفع مشکلات افزایش خواهد یافت، مشکلات را جمعی تلقی نموده و راه مبارزه با آن‌ها را تنها از طریق صمیمیت، توجه به آرا و نظرات دیگران و پایبندی به قول و قرار و عدم توجه به منافع شخصی می‌دانند.

فرضیه (۶) - آزمون فرضیه ششم به رابطه بین عوامل انگیزشی و تمایل کشاورزان به یکپارچه‌سازی اراضی مربوط است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که هرچه مالکان تحقق انگیزه‌ها را از طریق اجرای عملیات یکپارچه‌سازی احساس نمایند، به همان نسبت تمایل آن‌ها به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی افزایش می‌یابد. در این پژوهش برای عملیاتی نمودن عوامل انگیزشی از گویه‌های پنج‌گانه استفاده شده است که از طریق مقیاس رتبه‌ای قابل اندازه‌گیری می‌باشند. این گویه‌ها عبارتند از:

- احساس تضمین مالکیت بر زمین‌های زراعی.

—انجام دادن عملیات زیربنایی (تسطیح اراضی، احداث جاده‌ها و تأسیسات) توسط دولت.
—تأمین آب و احداث کانال‌های آبیاری توسط دولت.
—صدور پروانه بهره‌برداری از آب و تعیین میزان حقابه با توجه به میزان مالکیت توسط دولت.

—تضمین خرید محصولات کشت شده توسط دولت.
—مساحی و متراژ دقیق قطعات پراکنده توسط دولت.
—امیدواری به افزایش میزان تولید محصولات کشت شده در قطعات بزرگ و یکپارچه.
—امیدواری به استفاده از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی مکانیزه در قطعات زراعی یکپارچه.

—اعطای تسهیلات اعتباری (وام) به مالکان توسط دولت.
فرضیه (۷)، نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم نشان می‌دهد که بین میزان اعتماد مالکان به دولت و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در تبیین این همبستگی باید گفت که چون مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی به‌عنوان مشارکت برانگیخته محسوب می‌شود که از طرف دولت به اجرا درمی‌آید، اعتماد مردم به دولت و نحوه اجرای آن در اندیشه مشارکت‌جویان تأثیر خواهد داشت. میزان اعتماد به دولت راه را برای ابراز تمایل به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی اراضی هموار می‌کند.

نتیجه‌گیری

مشکل پراکندگی و قطعه‌قطعه بودن اراضی کشاورزی از قدیم‌الایام یکی از ویژگی‌های عمده نظام بهره‌برداری سنتی در ایران بوده است. پس از اصلاحات ارضی شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های تعاونی تولید و کشت و صنعت‌ها که توسط دولت به منظور یکپارچه نمودن اراضی تشکیل شدند نتوانستند توفیق چندانی پیدا کنند و لذا مسئله پراکندگی و قطعه‌قطعه بودن اراضی کماکان به‌عنوان یکی از موانع توسعه کشاورزی ایران باقی ماند. در دو دهه اخیر در برخی از مناطق کشور یکپارچگی اراضی به‌صورت خودجوش و در قالب تشکل‌ها و سازمان‌های محلی و دهقانی به مرحله اجرا درآمده است که منطقه مورد مطالعه در این پژوهش دهستان زرین‌دشت از توابع شهرستان دره‌شهر از استان ایلام از جمله این مناطق است. در این پژوهش تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی به‌عنوان متغیر وابسته و میزان تحصیلات، مالکیت، عوامل انگیزشی، اعتماد مالکان به دولت، آگاهی از موضوع یکپارچه‌سازی، اعتماد مردم به یکدیگر و عضویت در گروه‌های ثانوی به‌عنوان

متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. در واقع، هدف از این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی است. حجم نمونه به تعداد ۹۰ نفر است و روش تحقیق ما پیمایشی بوده است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش را می‌توان به قرار زیر خلاصه نمود:

— رابطه بین میزان تحصیلات مالکان زمین (کشاورزان) و تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی معنی‌دار مثبت است.

بدین معنی که سطح تحصیلات کشاورزان اطلاعات آنان را از نتایج مثبت یکپارچه‌سازی افزایش داده و میل به مشارکت در این زمینه را در میان آنان بالا می‌برد. این فرضیه مأخوذ از نظریه جیمز کلمن و منطبق با آن است که بر اطلاعات به‌عنوان عنصر مهم سرمایه اجتماعی تأکید دارد.

— رابطه بین میزان مالکیت ارضی کشاورزان و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی معنی‌دار مثبت است.

— رابطه بین میزان آگاهی کشاورزان از موضوع یکپارچه‌سازی اراضی و تمایل آنان به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی معنی‌دار مثبت است.

هر دو فرضیه فوق نیز منطبق با نظریه جیمز کلمن است زیرا از سویی کشاورزانی که دارای تجربی در ارتباط با اراضی وسیع دارند، تجارب عملی آنان این آگاهی‌ها را بدان‌ها داده است که، اولاً اراضی یکپارچه وسیع امکان استفاده از وسایل و ادوات مکانیزه را برای آنان فراهم می‌آورد. ثانیاً، با توجه به استفاده بهینه از عوامل تولید، بازدهی بیشتر می‌شود؛ و ثالثاً، این‌گونه اراضی ارزش بیشتری می‌یابند. از سوی دیگر، آگاهی یافتن کشاورزان به مزایای یکپارچگی اراضی تمایل آنان را به مشارکت در این فرایند افزایش می‌دهد.

— رابطه بین میزان اطلاعات و دانش فرد از موضوع یکپارچگی اراضی مزروعی و میزان تمایل آن‌ها به مشارکت رابطه‌ای معنی‌دار مثبت است.

— رابطه بین اعتماد مردم به یکدیگر و تمایل آنان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی معنی‌دار مثبت است.

— رابطه بین میزان اعتماد مردم به دولت و تمایل آنان به مشارکت در امر یکپارچه‌سازی معنی‌دار مثبت است.

دو فرضیه فوق یعنی رابطه بین اعتماد مردم به یکدیگر و رابطه بین میزان اعتماد مردم به دولت مبتنی بر نظریه پاتنام است که عقیده دارد که سرمایه اجتماعی یکی از ویژگی‌های سازمان

اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را به صورت هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده است بهتر صورت می‌گیرد. منابع تولید سرمایه اجتماعی عبارتند از اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها که به طور معمول یک کالای عمومی تلقی می‌شود و در مالکیت خصوصی هیچ‌یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند نیست (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵-۲۹۱).

—رابطه بین میزان عوامل انگیزش و تمایل کشاورزان به مشارکت امر یکپارچه‌سازی اراضی رابطه‌ای معنی‌دار مثبت است.

این فرضیه مبتنی بر قضیه محرک یا «انگیزه» هومنز است. قضیه مذکور مربوط به تأثیر موقعیت‌ها بر اعمالی است که در آن موقعیت‌ها رخ می‌دهد. اگر در گذشته وجود محرک خاصی یا یک رشته از محرک‌ها باعث شده باشند که شخصی با کنش خود پاداش گرفته باشد، محرک‌های کنونی و آتی هرچه به محرک گذشته شباهت بیشتری داشته باشند، احتمال بیشتری می‌رود که فرد در برخورد با این محرک‌ها آن کنش یا همانندش را انجام دهد. (هومنز، ۱۹۷۴ به نقل از جرج ریتزر، ۱۳۷۷: ۴۲۸).

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، به منظور ادامه کار یکپارچه‌سازی اراضی و تسریع در این امر پیشنهادت زیرارائه می‌گردد:

۱. با توجه به همبستگی بین میزان آگاهی کشاورزان از موضوع یکپارچه‌سازی اراضی، پیشنهاد می‌گردد دولت در جهت بالا بردن آگاهی و دانش مالکان از موضوع یکپارچه‌سازی اراضی نسبت به آگاه نمودن آن‌ها از طرق مختلف به‌ویژه از طریق رسانه‌های جمعی مباحث گروهی و ترویجی در محل اقدام نماید.

۲. با توجه به همبستگی معنی‌دار بین میزان عضویت در گروه‌های ثانوی و تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی پیشنهاد می‌گردد دولت زمینه و بسترهای لازم را در جهت امکان ایجاد تشکل‌ها و گروه‌های میانجی و سازمان‌های غیردولتی به‌وجود آورد.

۳. از انگیزه‌های موجد تمایل مالکان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی، اندازه‌گیری قطعات کوچک و پراکنده کشاورزان و تعیین سهم آن‌ها در قطعات بزرگ است.

پیشنهاد می‌گردد قبل از اجرای این طرح نسبت به ممیزی اراضی^۱ منطقه اقدام لازم به عمل آید. ۴. با توجه به این‌که عملیات یکپارچه‌سازی اراضی نیاز به سرمایه‌گذاری و هزینه‌هایی

1. Cadastre

جهت احداث کانال، جاده‌های فرعی میان مزارع و تأسیسات دیگر دارد، پیشنهاد می‌گردد دولت با همکاری دستگاه‌های مربوط تسهیلات اعتباری در اختیار کشاورزان ذی‌نفع قرار دهد. ۵. پیشنهاد می‌گردد دولت از طریق نمایش فیلم، برنامه‌های تلویزیونی و یا اعزام نمایندگانی از روستاهای مختلف به مناطقی که در آن‌ها برنامه یکپارچه‌سازی صورت گرفته است، کشاورزان را به یکپارچه‌سازی اراضی خود تشویق نماید.

منابع

- ادیبی حسین، انصاری عبدالمعبود، *نظریه‌های جامعه‌شناسی* (۱۳۵۸)، انتشارات جامعه تهران.
- افتخاری رکن‌الدین، عبدالرضا (۱۳۷۴) *فصلنامه تحقیقات جغرافیا*، شماره ۳۶. تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات روزنامه سلام.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۷۵)، «یکپارچگی اراضی و توسعه کشاورزی در ایران»، *فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۱۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، انتشارات کیهان، تهران.
- سینگ جاییسبر و دیلون. اس. اس (۱۳۷۴)، *جغرافیای کشاورزی*، ترجمه سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۸)، «تعاونی‌ها کانون گسترش فرهنگ مشارکت»، *مجله فرهنگ و تعاون*، تهران.
- فولادی، مسعود (۱۳۷۱)، *یکپارچگی اراضی طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز هراز*، انتشارات وزارت کشاورزی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- گونیلی، ابوالحسن (۱۳۶۵)، *فرهنگ کشاورزی ایران*، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) *روان‌شناسی اجتماعی*، گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- وثوقی و دیگران (۱۳۶۴)، *بررسی مشکلات اقتصادی-اجتماعی ناشی از پراکنندگی زمین*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Schatzow, Steven (1977) *the Influence of Publican Federal Environment, Decision Making in Canada in Public Participation in Planning*. Edited by SEWELL. Johnvilly and Son press.

Vosooghi, Mansoor, (2004), "Land consolidation, an unsuccessful experience under government models, but successful in the framework of indigenous knowledge" in *NAMEH-OLUM- EJTEMAEI* . Vol 11, No 2.

منصور وثوقی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مؤلف کتاب‌های جامعه‌شناسی روستایی، مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا و مترجم کتاب تغییرات اجتماعی، اثر گی‌روشه است. علایق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی روستایی، توسعه روستایی و تغییرات اجتماعی است و دارای مقالات متعددی در مجلات علمی-پژوهشی داخلی و خارجی است.

افراسیاب فرجی، کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران است.